



مقدمه

نخستین روز از آخرین ماه سال قمری، سالروز پیوندی آسمانی است که دیگر هیچ گاه مانند آن در تاریخ تکرار نشد. علی (علیه السلام)، با فاطمه (سلام الله علیها)، برترین بانوی جهان پیمان عشق بست و خداوند، آخرین فرستاده خویش را بر این پیمان گواه گرفت. اول ذیحجه، روزی مبارک برای همه ما شعیان است.

بهترین بانو

به نه سالگی رسیده بود. رشد جسمانی مناسب آن حضرت و رشد و کمال عقلی بانوی فضیلت ها، سبب شده بود که با وجود کمی سن، گوی سبقت را از همه بر باید و یکه تاز میدان فضیلت ها گردد و میان همه دختران ممتاز شود. توجه و مهرورزی بی پایان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز بر امتیازات او افزوده بود. کمالات بی شمار فاطمه، باعث شد تا سرشناسان شهر، به رسم دیرین عرب او را از پیامبر خواستگاری کنند.

خواستگاران حضرت زهرا (سلام الله علیها) که بودند؟

پیش از حضرت علی - (علیه السلام) افرادی مانند ابوبکر و عمر آمادگی خود را برای ازدواج با دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) اعلام کرده بودند و هر دو از پیامبر یک پاسخ شنیده بودند و آن اینکه در باره ازدواج زهرا (سلام الله علیها) منتظر وحی الهی است. آن دو که از ازدواج با حضرت زهرا (سلام الله علیها) نومید شده بودند با سعد معاذ رئیس قبیله اوس به گفتگو پرداختند و آگاهانه دریافتند که جز حضرت علی - (علیه السلام) کسی شایستگی ازدواج با حضرت زهرا - علیها السلام - را ندارد.

عروس بی همتا

اشراف عرب دختران خود را به کسانی می دادند که در قبیله و قدرت و زر و زور مثل آنها باشند. روی این عادت دیرینه، اشراف و بزرگانی اصرار داشتند که با دختر گرامی پیامبر، فاطمه (سلام الله علیها) ازدواج کنند؛ غافل از آنکه این دختر با همه دختران دیگر فرق داشته و به موجب آیه مباهله مقام بلندی دارد. فاطمه (سلام الله علیها) به تصریح آیه تطهیر معصوم بود و شوهری جز معصوم نمی توانست داشته باشد؛ از این رو، پیامبر از طرف خدا مأمور بود که در پاسخ خواستگاران بگوید ازدواج فاطمه باید به فرمان خدا صورت گیرد.

کسی مانند زهرا (سلام الله علیها)

سفارش اسلام در ازدواج، توجه به هم شأنی عروس و داماد است، و یکی از مهم ترین موارد هم شأنی، هم ترازی در ایمان و اسلام است. در جریان ازدواج حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نیز افراد زیادی خواهان ازدواج با ایشان بودند؛ کسانی که از جایگاه اجتماعی یا اقتصادی بالایی برخوردار بودند، ولی همه آنها با جواب رد روبرو شد. تقدیر الهی برای فاطمه (سلام الله علیها) برتر از آن بود که فکرهای مادی می انگاشتند. اصحاب پیامبر فهمیده بودند که جریان ازدواج فاطمه (سلام الله علیها) آسان نیست و هر فردی نمی تواند با او ازدواج کند؛ هرچند جایگاه مادی و اجتماعی بالایی داشته باشد. شوهر فاطمه (سلام الله علیها) باید شخصیتی باشد که از نظر کمالات معنوی و سجایای اخلاقی، پشت سر پیامبر بوده و چنین فردی کسی نبود غیر از علی بن ابی طالب (علیه السلام)، همراه همیشه پیامبر (صلی الله علیه و آله). آن حضرت همیشه می فرمود «لَوْ لَمْ يُخْلَقْ عَلِيٌّ لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ كُفُوً» (هر گاه علی آفریده نمی شد، کسی که لایق همسری فاطمه باشد وجود نداشت).

عشق علی (علیه السلام)

پاسخ های منفی پیامبر و دخترش فاطمه (علیها السلام) ، و نیز توجه ویژه آن حضرت به علی بن ابی طالب (علیه السلام) ، جمعی را بر آن داشت که برای این وصلت سهمی ایفا کنند. به همین دلیل روزی به در خانه علی آمدند تا او را برای خواستگاری فاطمه (سلام الله علیها) تشویق کنند. او در منزل نبود. دانستند که در نخلستان مشغول آبیاری است. به آنجا روانه شدند و حضرت را مشغول کار دیدند. یکی از آنان پیشنهاد خواستگاری را مطرح کرد. چشمان علی (علیه السلام) پر از اشک شد و فرمود: «احساساتم را به هیجان آوردی و آرزوی دیرینه ام را بیدار کردی. به خدا سوگند فاطمه (سلام الله علیها) مورد خواست و رغبت من است، ولی چه کنم که دستم خالی است». آن مرد گفت: تو می دانی که همه دنیا نیز پیش خدا و پیامبرش ناچیز است و پیامبر به مال و ثروت چشم ندارد. علی کار آب دهی نخلستان را رها کرد، شترش را به خانه آورد و آن را بست و خود را برای رفتن به خانه رسول خدا آماده کرد.

علی (علیه السلام) به خواستگاری رفت

هنگامی که حضرت علی (علیه السلام) برای خواستگاری فاطمه (علیها السلام) رفت، پیامبر در خانه ام سلمه بود. علی (علیه السلام) در زد. ام سلمه پرسید: کیست؟ قبل از پاسخ خواستگار، پیامبر دستور داد: «در را باز کن و بگو داخل شود. کسی پشت در است که محبوب خدا و رسول است». علی (علیه السلام) وارد شد، سلام کرد و در حضور رسول خدا نشست. چشمان خود را بر زمین دوخت. شرم از پیامبر مانع گفتن خواسته اش می شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) که خود علی را بزرگ کرده و از روحيات او باخبر است، سکوت را شکست و فرمود: «می بینم برای حاجتی اینجا آمده ای. خواسته ات را بر زبان آور و آنچه در دل داری بازگو که خواسته ات پیش من پذیرفته است».

مرا به دامادی بپذیر!

علی (علیه السلام) که برای خواستگاری دختر پیامبر به خانه ایشان رفته بود، با سخنانی شیرین خواسته اش را چنین بازگو کرد: «پدر و مادرم فدای شما، وقتی خردسال بودم مرا از عمویتان ابوطالب و فاطمه بنت اسد گرفتید. با غذای خود و به اخلاق و منش خود بزرگم کردید. نیکی و دل سوزی شما درباره من از پدر و مادرم بیشتر و بهتر بود. تربیت و هدایت من به دست شما بوده و شما ای رسول خدا به خداسوگند ذخیره دنیا و آخرتم می باشید. ای

رسول خدا! اکنون که بزرگ شده ام، دوست دارم خانه و همسری داشته باشم تا در سایه انس با او، آرامش یابم. آمده ام تا دخترتان فاطمه (سلام الله علیها) را از شما خواستگاری کنم. آیا مرا می پذیرید؟» چهره پیامبر چون گل شکفته شد. گویا انتظار این لحظه را می کشید. خوشحال شد، ولی جواب قطعی را برعهده فاطمه (سلام الله علیها) گذاشت.

سکوتی بهتر از سخن

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) ماجرای خواستگاری پسر عموی خویش را برای دخترش بازگو کرد و فرمود: «دختر عزیزم! تو علی را خوب می شناسی و به سابقه ایمان و خویشاوندی و فضیلت و پارسایی او آگاهی داری. من همیشه آرزو داشتم تو را خوشبخت کنم و به عقد کسی درآورم که بهترین مرد روی زمین است. آیا راضی هستی همسر علی باشی؟» فضای اتاق لحظاتی غرق در سکوت بود؛ سکوت از سر حیا. فاطمه خاموش ماند و چیزی نگفت. نغمه تکبیر پیامبر بلند شد: «الله اکبر! فاطمه راضی است. سکوت او نشانه رضایت اوست». واکنش فاطمه (سلام الله علیها) در برابر خواستگاران قبلی، برگرداندن چهره و اظهار ناراحتی بود، اما این بار با سکوت خود صد سخن گفت و روی خود را هم بر نگرداند. آن حضرت نزد علی (علیه السلام) که در انتظار پاسخ بود برگشت و رضایت فاطمه را خبر داد.

مهر علی (علیه السلام)؛ مهریه زهرا (سلام الله علیها)

مشخص کردن میزان مهریه، از شرایط عقد در اسلام است. حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) که نخستین مجری دستورات اسلام بود، در پیوند دخترش با حضرت علی (علیه السلام)، از داماد آینده اش پرسید: آیا برای این ازدواج اندوخته ای داری؟ علی (علیه السلام) پاسخ داد: شما از وضعیت من به خوبی آگاهی دارید. تمام دارایی من شمشیر، زره و شتر آبکشم است. پیامبر فرمود: شمشیرت را برای جهاد در راه خدا نیاز داری؛ شتر هم برای انجام کارهای روزمره و امرار معاش می خواهی؛ ولی این زره (پیراهن جنگی) را بفروش و پولش را برایم بیاور. علی (علیه السلام) زره را به پانصد درهم فروخت و پول را به عنوان مهریه همسرش نزد پیامبر آورد تا برای ازدواجشان هزینه کند. بدین ترتیب مهریه برترین بانوی دنیا تعیین شد و پیام مهرآفرین آن برای همه دختران مسلمان باقی ماند. این مبلغ به عنوان سنت قرار گرفت و هر یک از اهل بیت (علیهم السلام) میزان مهریه همسران خود را به همین مقدار مشخص می کردند.

شفاعت، مهریه معنوی

پیامبر گرامی اسلام ازدواج دخترش را به ساده ترین و راحت ترین شیوه انجام داد تا برای همه جوانانی که در آستانه زندگی مشترک هستند، سرمشق نیکویی باقی بماند. مهریه پانصد درهمی برای فاطمه (علیهاالسلام) مهتر زنان نیز، به همین هدف صورت گرفت. در روایات، افزون بر این مهریه که جنبه مادی و مالی دارد، مهریه های معنوی دیگری نیز برای آن بانوی بزرگ گفته شده است. در روایتی می خوانیم که حضرت زهرا (علیهاالسلام) از پدر تقاضا کرد که آن حضرت از خدا بخواهند تا مهریه اش را شفاعت از مسلمانان گناهکار قرار دهد. این خواسته حضرت مستجاب شد و فاطمه (علیهاالسلام) شفیع و واسطه بخشش گناهکاران قرار گرفت.

خطبه عقد

سال دوم هجری بود. برای اجرای خطبه عقد، امام علی (علیه السلام) به دستور پیامبر به مسجد رفت. همچنین پیامبر به بلال دستور داد که مهاجر و انصار را در مسجد گرد آورد. پس از مدت کوتاهی همگی در مسجد جمع شدند. پیامبر بر منبر مسجد نشست و در حضور شاهدان، خطبه عقد برترین بانوی اسلام را در مسجد مدینه جاری فرمود. سپس برای عروس و داماد دست به دعا برداشت و فرمود: «خداوند برای شما مبارک گرداند و اجتماعتان را پاینده بدارد».

دوره نامزدی چقدر طول کشید؟

امام علی (علیه السلام) در خاطره ای زیبا، پایان دوره نامزدی اش را چنین بیان می کند: «یک ماه از اجرای خطبه عقدمان گذشت. در این یک ماه با رسول خدا نماز می خواندم و به خانه ام برمی گشتم و در این یک ماه درباره ازدواج سخنی به ایشان نگفتم. پس از یک ماه، همسران پیامبر به من گفتند: نمی خواهی درباره آوردن فاطمه به خانه خودت با پیامبر صحبت کنیم؟ گفتم صحبت کنید. آنها به محضر حضرت رفتند و عرض کردند: علی (علیه السلام) دوست دارد همسرش را به خانه ببرد، چشم فاطمه (سلام الله علیها) را به دیدار شوهرش روشن کن! پیامبر پرسید: چرا خود علی (علیه السلام) همسرش را از من نمی خواهد؟ ماتوقع داشتیم که خودش اقدام کند. من عرض کردم: ای رسول خدا! حیا و شرم مرا از سخن گفتن در این باره باز می دارد. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) با شنیدن این سخنان، با برگزاری مراسم ازدواج موافقت کرده، به همسران خود دستور تهیه مقدمات آن را داد.

سفره با برکت علی (علیه السلام)

مقدمات جشن ازدواج فاطمه فراهم گردید و برای دادن ولیمه عروسی هماهنگی های لازم به عمل آمد. داماد به مسجد رفت تا مؤمنان را برای صرف غذای عروسی دختر پیامبر دعوت کند. جمعیت در مسجد موج می زد. علی (علیه السلام) نتوانست تنها عده ای را از جمع برگزیند؛ به همین خاطر با صدای بلند به همگان اعلام کرد که: «دعوت مرا به ولیمه عروسی فاطمه بپذیرید». تمام جمعیت حرکت کردند. کمی غذا و زیادی جمعیت، داماد پیامبر را نگران کرده بود. از حضرت کمک خواست. پیامبر (صلی الله علیه و آله) که شرمندگی علی (علیه السلام) را دریافته بود، فرمود: «دعا می کنم خداوند به غذا برکت دهد». از برکت دعای ایشان، چهار هزار نفر از آن غذا خوردند و سیر شدند. سپس پیامبر کاسه ای طلبید و غذایی در آن ریخت و فرمود: «این هم برای فاطمه و شوهرش».

خداحافظی عروس با پدر

زمان اعزام عروس به خانه داماد که فرا رسید، پیامبر اکرم حضرت زهرا (سلام الله علیها) را به حضور طلبید. زهرا - علیها السلام - ، درحالی که عرق شرم از چهره اش می ریخت، به حضور پیامبر رسید واز کثرت شرم پای او لغزید و نزدیک بود به زمین بیفتد. در این موقع پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سلم در حق او دعا کرد و فرمود: «**اقالک الله العثرة فی الدنيا و الآخرة**». خدا تو را از لغزش در دو جهان حفظ کند. سپس چهره زهرا را باز کرد و دست او را در دست علی نهاد و به او تبریک گفت و فرمود: «**بارک لک فی ابنة رسول الله یا علی نعمت الزوجة فاطمة**»

خانه ای پر از مهر

زندگی مشترک علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا (علیها السلام) در خانه ای ساده اما پر از نور و مهر آغاز شد. یاد خدا چهل چراغ خانه آنها بود و غیر از رضایت حضرت حق خواسته دیگری آنها را به خود مشغول نکرد. زهرا (علیها السلام) رازدار علی (علیه السلام) بود و علی (علیه السلام) پناهگاه فاطمه (علیها السلام) ؛ تا آنجا که حضرتش با نگاهی به زندگی خویش فرمود: «هیچ گاه فاطمه از من نرنجید و او نیز هرگز مرا نرنجاند. او را به هیچ کاری مجبور نکردم و او نیز مرا آزرده خاطر نساخت. در هیچ امری، قدمی برخلاف میل باطنی من برنداشت و

هرگاه به چهره اش نگاه می کردم، تمام غصه هایم برطرف می شد و دردهایم را فراموش می کردم». آن حضرت در جایی دیگر می فرماید: «به خدا قسم هرگز کاری نکردم که فاطمه خمشگین شود؛ اونیز هیچ گاه مرا خمشگین نکرد».

پی نوشت ها:

1 - بحار، ج 43، ص 96.

2 - كشف الغمة، ج 1، ص 50.

3 - بحار الانوار، ج 43، ص 9.

4 - بحار الانوار، ج 43، ص 94؛ كشف الغمة، ج 1، ص 359. بنابه نوشته کتاب اخیر، همه اثاث منزل حضرت زهرا - علیها السلام - به 63 درهم خریداری شد.

5 - بحار، ج 43، ص 130.

6 - همان، ص 59.